

اصول تنبیه از دیدگاه قرآن

(تاریخ دریافت: ۹۳/۱۰/۳؛ تاریخ پذیرش: ۹۵/۳/۱۰)

سید محمدرضا موسوی شوشتری*

حسن فشانجردی**، محمد برادران علاف***

چکیده

تنبیه یکی از روش‌های مهم تربیتی است که مورد تأیید عقل و دین است؛ چنانچه در قرآن نمونه‌هایی از کاربست این عنصر تربیتی مشاهده می‌گردد. نوشتار حاضر، می‌کوشد تا اصول تنبیه را، با نگاهی کاربردی، از دیدگاه قرآن گزارش، تبویب و تحلیل نماید. از مجموع مباحث می‌توان نتیجه گرفت که روش تنبیه از دیدگاه قرآن، روش تربیتی اولی نیست تا در تمام حالات بتوان از آن نتیجه مطلوب گرفت، بلکه یک روش تربیتی ثانوی است که از لحاظ مرتبه و ارزش، متأخر از همه روش‌های ممکن در اصلاح رفتار است. **واژگان کلیدی:** تشویق، کارکردهای تربیتی تنبیه، تنبیه در قرآن، تنبیه در روانشناسی.

مقدمه

تربیت، یک فرایند مستمر و پیوسته است که هدف نهایی آن کمال و سعادت انسان است. این کمال در مکتب ما همان قرب الهی است و اهمیت آن به این خاطر است که ما هم می‌توانیم با تربیت درست، افراد را به انسانی تبدیل کنیم که خلیفه خدا بر روی زمین باشد. (بقره/۳۰) یا به موجودی پست‌تر از حیوان تبدیل شود. (اعراف/۱۷۹) تربیت، فرآیندی است که ابتدا، انتها و مسیر پیمایشی دارد. در مسیر تربیت، با نظر به مبانی، اصول و روش‌هایی خاص برای پیمودن این مسیر انتخاب می‌شود که یکی از این روش‌ها، "تنبیه" است. اما پرسش این است که جایگاه تنبیه در قرآن و روان‌شناسی

*. استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم؛ دانشکده تربیت مدرس قرآن مشهد.

** . دانشجوی کارشناسی ارشد تفسیر، دانشکده تربیت مدرس قرآن مشهد.

*** . (نویسنده مسؤل)، دانشجوی کارشناسی ارشد تفسیر، دانشکده تربیت مدرس قرآن مشهد؛

چیست؟ و کارکردهای تربیتی آن کدام است؟ این مقاله می‌کوشد تا ضمن اشاره به جایگاه تنبیه در قرآن و دیدگاه‌های برخی روان‌شناسان در این رابطه، مقایسه تطبیقی کارکردهای تربیتی تنبیه در قرآن و روانشناسی را مورد بررسی و تحلیل قرار دهد. در ارتباط با نقش تربیتی تنبیه تاکنون آثاری چند سامان یافته است که از جمله آنها می‌توان به کتاب‌های "تنبیه و تنبیه بدنی در آموزش و پرورش" نوشته عزیز عبادی‌فرد، "چرا تنبیه؟" تألیف عبدالله مجوزی، "تنبیه بدنی آخرین راه‌حل است" تألیف فریده حیدرلو، "تشویق و تنبیه از دیدگاه قرآن کریم" تألیف فرشته کاشانی‌ها، "تشویق و تنبیه در آینه قرآن و حدیث" تألیف عباس محمدتقی صراف و "تشویق و تنبیه فراگیران در تعلیم و تربیت" تألیف جانمراد طهماسبی اشاره کرد. پیش از ورود به بحث، لازم است سه واژه تربیت، روان‌شناسی و تنبیه مورد تبیین و توضیح قرار گیرد که تحت عنوان مفاهیم به آن‌ها پرداخته می‌شود.

بحث و بررسی

۱- تعاریف و اصطلاحات

۱-۱- تربیت^۱

با تمام اختلاف‌هایی که در تعریف "تربیت" بین صاحب‌نظران علوم تربیتی وجود دارد، همه در این موضوع اتفاق نظر دارند که تربیت، "ایجاد تغییر مطلوب" است. اساساً مفهوم تربیت قابل تطبیق بر مفهوم حرکت در فلسفه است که در این صورت، تعریف تربیت در تناظر با مفهوم حرکت در فلسفه و عبارت است از: "فرآیند ایجاد تغییر تدریجی در گستره زمان (حرکت) در یکی از ساحت‌های (مسافت) بدنی، ذهنی، روحی و رفتاری انسان (موضوع حرکت) به واسطه عامل انسانی دیگر (فاعل حرکت) و به منظور دستیابی به کمال انسانی و شکوفاسازی استعدادهای آدمی یا بازدارندگی و اصلاح صفات و رفتارها." (اعرافی، ۱۳۸۷: ۲۸-۲۲) دانشمندان علوم تربیتی معنی اصطلاحی تربیت را با الفاظ و عبارات گوناگونی بیان کرده و هریک به جهتی از جهات تربیت توجه داشته‌اند؛ به عنوان نمونه برخی گفته‌اند: "تربیت از نظر آموزش و پرورش عبارت از تغییری است که آدمی در نفس خویش یا دیگر مردمان ایجاد کند." و از نظر روان‌شناسی طبق تعریف پستالزی^۲ عبارت است از "رشد طبیعی و تدریجی و هماهنگ

۱. Education .

۲. Pestalozzi؛ ۱۸۲۷-۱۷۴۶، مصلح سوئسی تعلیم و تربیت که تعلیمات ابتدایی نوین بر نظریات او بنا شده است. از آثار او می‌توان به خانه یک گوشه‌نشین، لینهارت و گرتروود (داستانی در باب اصلاح جامعه از طریق

تمام نیروها و استعدادهای انسانی که در نهادش موجود و مکتوم است." (صانعی، ۱۳۸۰: ۱۲) به عقیده جامعه‌شناسان، تربیت، کوششی است که هر جامعه برای تأمین نظارت و تسلط خود بر فرد به عمل می‌آورد. (صانعی، ۱۳۸۰: ۱۲)

۱-۲- تنبیه^۱

تنبیه، از باب تفعیل و از ماده "نَبَه" به معنای برخاستن و بیدارشدن از خواب است. (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۳، ۵۴۶) وجه نام‌گذاری مجازات متریبان خطاکار به تنبیه، به خاطر آن است که بدین وسیله او را از خواب غفلت بیدار می‌کنند.

۱-۲-۱- تعریف تنبیه

تنبیه در اصطلاح به عملی گفته می‌شود که لازمه آن آگاه کردن و هوشیار کردن فرد باشد و دست‌کم در سه معنا به کار رفته است:

الف) حذف پاسخ مثبت از ارگانسیم یا اضافه کردن پاسخ منفی به آن: تنبیه، زمانی رخ می‌دهد که پاسخ مثبتی را از موقعیت حذف یا چیزی منفی به آن بیافزاییم. اسکینر می‌گوید: «تنبیه زمانی رخ می‌دهد که پاسخ چیز مثبتی را از موقعیت حذف می‌کند یا چیزی منفی به آن می‌افزاید. در واقع تنبیه، دور ساختن چیزی از ارگانسیم (موجود زنده) است که خواستار آن است یا دادن چیزی است به کسی که طالب آن نیست.» (سیف، ۱۳۷۴: ۴۰۰-۳۹۱) به عبارت دیگر تنبیه عبارت است از ارائه محرک ناخوشایند یا حذف تقویت مثبت بلافاصله بعد از انجام یک رفتار. (حسینی‌زاده، ۱۳۷۷: ۲۴) تنبیه به این معنا را تنبیه به معنای عام می‌گویند.

ب) ارائه پاسخ منفی به ارگانسیم: در این تعریف، تنبیه عبارت است از ارائه یک محرک آزارنده یا تنبیه‌کننده به دنبال یک رفتار نامطلوب برای کاهش احتمال تکرار آن رفتار؛ برای مثال اگر بعد از انجام رفتاری نامطلوب از سوی کودک - مثلاً گفتن یک حرف تند با عصبانیت - و با ارائه یک محرک آزارنده مثل زدن به او خواسته باشیم که احتمال بروز رفتار نامطلوب را در او کاهش دهیم، او را تنبیه کرده‌ایم. تنبیه به این معنا را تنبیه به معنای خاص می‌گویند. (سیف، ۱۳۸۵: ۲۷۷)

ج) تنبیه بدنی یا کتک زدن: گاهی مراد از تنبیه، به این معناست که آن را تنبیه به معنای اخص می‌گویند. روشن است که بر طبق معنای اول، تنبیه طیف وسیعی را در بر می‌گیرد

تعلیم و تربیت) و کتاب مادر اشاره کرد. (صانعی، ۱۳۸۰: ۱۲)
۱. Punishment.

که عبارت است از تغافل، بی‌اعتنائی، تهدید، تحقیر، سرزنش، تمسخر، محروم‌سازی، جریمه، تغییر چهره و تنبیه بدنی. برخلاف معانی دوم و سوم که محدودتر هستند. آنچه از میان این معانی سه‌گانه، مورد تردید و بحث واقع شده است، قسم سوم یا تنبیه به معنای اخص است. گرچه برخی از مصادیق تنبیه نظیر تهدید، تحقیر، سرزنش و تمسخر نیز کم و بیش مورد رد و انکار واقع شده است. (حسینی‌زاده، ۱۳۷۷: ۲۴)

طبق تعاریف یادشده دو برداشت از تنبیه می‌توان داشت: یک برداشت عامیانه که عبارت است از رنج و احساس دردی که در اثر اعمال محرک دردناک ایجاد می‌گردد. و برداشت دوم، برداشتی است که صاحب‌نظران این موضوع بیان داشته‌اند و آن عبارت است از کاهش احتمال تکرار رفتار در اثر ارائه یک محرک اعم از اینکه آن محرک آزارنده باشد (تنبیه مثبت) یا غیر آزارنده (تنبیه منفی). بنابراین تعریف، حتی زمانی که هیچ محرک آزارنده‌ای هم اعمال نشود، ولی تقویت‌کننده‌های محیط کم شود و موجب حذف رفتار گردد، می‌توان گفت تنبیه صورت گرفته است. بنا بر برداشت اول، صرف ارائه محرک آزاردهنده تنبیه تلقی می‌شود بدون توجه به نتیجه کار. (حسینی، ۱۳۹۱: ۱۰۳)

۱-۲-۲- اهمیت تنبیه

انسان همواره در معرض لغزش‌ها و گناهان است. امام علی (علیه‌السلام) فرمودند: «همانا این نفس به بدی و گناه فرمان می‌دهد، پس هر که آن را واگذارد، او را به سوی گناهان می‌کشاند.» (تمیمی آمدی، ۱۳۷۷: ۲، ۵۲۰) یکی از آخرین عوامل خارجی برای باز داشتن انسان از نفس طغیانگر، «تنبیه یا کیفر» است که بر طبق ضوابط، نقشی اساسی در اصلاح فرد و جامعه دارد. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می‌فرمایند: «تأثیر پاک‌کنندگی حدی که در زمین بر پا شود، از شصت سال عبادت بیشتر است.» (نوری، ۱۳۶۶: ۱۸، ۹) و در روایتی دیگر اقامه حد را بهتر از باران چهل روزه مداوم می‌داند. (کلینی، ۱۳۶۵: ۷، ۱۷۴) اساس زندگی انسان، مبتنی بر جلب لذت و دفع ضرر است؛ بنابراین از هر چه برای او خوشایند باشد، استقبال می‌کند و از هر چه برایش رنج‌آفرین باشد، فرار می‌نماید. بدین جهت، طبیعی است که تنبیه چون برای او امری دردآور است، سبب گریز او از عملی باشد که عاقبتش تنبیه است. حضرت علی (علیه‌السلام) فرمودند: «کسی که یقین به کیفر (عمل) دارد، جز کار نیک انجام نمی‌دهد.» (تمیمی آمدی، ۱۳۷۷: ۱، ۱۸۶) بر طبق همین اصل است که گاهی فرد تنها به علت ترس از تنبیه و به خاطر اینکه در میان مردم رسوا نشود، بعضی از کارها را انجام نمی‌دهد. بنابراین می‌توان از این حساسیت افراد، در جهت

سازندگی و تربیت آنان استفاده کرد و با شیوه‌های صحیح تنبیه، آنان را اصلاح کرد. این مطلب مورد توجه روان‌شناسان بوده و بعضی از ایشان، استفاده از تنبیه را مفید و حتی لازم می‌دانند. بنابراین، تنبیه بر اساس مقررات می‌تواند یک روش تربیتی باشد.

غالب کارشناسان به این علت که ممکن است تنبیه، هم برای تنبیه‌شونده و هم برای تنبیه‌کننده، عواقب زیان‌آوری داشته باشد، با مقوله تنبیه به صورت محتاطانه برخورد کرده‌اند. از دیدگاه ایشان، در صورت اصلاح شدن رفتار فرد با روش‌های مطلوب و به وسیله تقویت‌کننده‌های مثبت و منفی، مرئیان مجاز به استفاده از تنبیه به عنوان یک محرک آزارنده نمی‌باشند. سیف در کتاب تغییر رفتار و رفتاردرمانی در پایان بحث تنبیه می‌نویسد: «روش تنبیه خشن‌ترین و نامطلوب‌ترین روش تغییر رفتار است. استفاده غیرمسئولانه از آن عوارض جانبی نامطلوب به بار می‌آورد، هرگز نباید به صورت یک روش تربیتی از آن استفاده شود. تنها زمانی که رفتار نامطلوب برای صاحب رفتار یا کسان دیگر تهدیدکننده سلامتی است، باید به کار گرفته شود؛ آن هم به صورت موقتی تا اینکه فرصت استفاده از روش‌های دیگر فراهم آید و پیش از استفاده از روش تنبیه باید رضایت شخص یا سرپرست و قیّم او را کسب کرد.» (سیف، ۱۳۷۴: ۴۰۰-۳۹۱) کارشناسان اغلب بر تشویق و پاداش در مقابل اعمال و رفتارهای مطلوب تکیه کرده‌اند و تنبیه را به شکل ساده به عنوان آخرین روش در تغییر رفتار، مورد توجه قرار داده‌اند. بنابراین فقط در مواردی خاص، تنبیه وسیله مناسبی برای تغییر رفتار نامطلوب است. این به نظر اسلام نیز نزدیک است. تنبیه بدنی کم‌اثرترین و بدترین نوع تنبیه است. در تنبیه کردن باید به این نکته توجه داشته باشیم که خود فرد را تنبیه نکنیم بلکه عمل نادرست و ناپسند او را تنبیه کنیم. تنبیه به سن، درک و جنس افراد و نوع عمل بستگی دارد.

۱-۲-۳- تنبیه از دیدگاه قرآن کریم

قرآن کریم یکی از ابزارهای بازدارنده از رفتار عنادورزانه نسبت به اوامر پروردگار را تنبیه به انواع مختلف آن، اعم از دنیوی و اخروی، معرفی می‌نماید و در آیات مختلف به این موضوع اشاره می‌کند. یکی از نویسندگان معاصر (حسینی، ۱۳۹۱: ۱۰۹) آیات تنبیه را به سه دسته تقسیم‌بندی کرده است:

۱- تنبیه به عنوان مجازات حقوقی (حد و تعزیر): قرآن کریم در بخشی از آیات، برای بعضی از جرم‌ها، مجازات‌های خاصی را تعیین کرده است؛ برای نمونه در مورد مرد و زن زناکار می‌فرماید: «هر یک از مرد و زن زناکار را صد تازیانه بزنید؛ و نباید رأفت نسبت به آن دو شما

را از اجرای حکم الهی مانع شود، اگر به خدا و روز جزا ایمان دارید؛ و باید گروهی از مؤمنان آن را مشاهده کنند.» (نور/۲) و نیز برای کسانی که افراد پاکدامن را به اعمال منافی عفت متهم می‌کنند و برای این کار خود هیچ دلیل و شاهی ندارند، مجازات بدنی در نظر گرفته است: «وکسانی که زنان پاکدامن را متهم می‌کنند، سپس چهار شاهد نمی‌آورند، آن‌ها را هشتاد تازیانه بزنید و شهادتشان را هرگز نپذیرید و آن‌ها همان فاسقان‌اند.» (نور/۴)

۲- تنبیه به عنوان تجسم اعمال (جنبه تکوینی اعمال): بخش زیادی از آیاتی که مجازات اقوام گذشته را بیان می‌کنند، در مورد نتیجه اعمال آنان می‌باشند؛ از جمله داستان اصحاب سبت (بقره/۵۶)، مجازات‌های قوم بنی‌اسرائیل (اعراف/۱۶۵-۱۶۳)، مجازات ابلیس و رانده شدن او از درگاه پروردگار (حجر/۳۸-۳۰) و ...

۳- تنبیه به عنوان تأدیب: برخی از آیات قرآن، تنبیه را برای تأدیب و تربیت و اصلاح رفتارهای غیرقابل پذیرش توصیه می‌نماید. قرآن درباره کسانی که از دستور پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) تخلف نمودند و در جنگ شرکت نکردند، می‌فرماید: «وآن سه نفر که (از جنگ تبوک) بازماندند، (و مسلمانان با آنان قطع رابطه کردند) تا آن حد که زمین با همه وسعتش بر آن‌ها تنگ شد، (حتی) در وجود خویش جایی برای خویش نمی‌یافتند؛ در آن هنگام دانستند پناهگاهی از خدا جز به سوی او نیست. سپس خدا رحمتش را شامل حال آن‌ها نمود تا توبه کنند؛ خداوند بسیار توبه‌پذیر و مهربان است» (توبه/۱۱۸) در این آیه، برای تنبیه متخلفان از دستور پیامبر، قهر کردن با آنان از جانب پیامبر توصیه می‌شود؛ روشی که موجب گردید درصدد اصلاح خود برآیند و این عمل برای همه مسلمانان موجب عبرت شد. در جای دیگر برای اصلاح زنانی که از اطاعت همسران خود سر باز می‌زنند، سه نوع تنبیه را پیشنهاد می‌کند: «و زنانی را که از سرکشی و مخالفتشان بیم دارید، پند و اندرز دهید؛ و (اگر مؤثر واقع نشد)، در بستر از آن‌ها دوری نمایید؛ و (اگر راهی جز شدت عمل نبود)، آنها را تنبیه کنید.» (نساء/۳۴) علامه طباطبایی معتقد است این سه علاج برای اصلاح و تربیت است و ترتیب کاربست در آن مهم است و این ترتیب از سیاق کلام فهمیده می‌شود؛ زیرا از ضعیف به شدید است و اگر هر مرحله موجب اصلاح شود، مرد حق ندارد با بهانه‌جویی به اذیت زن پردازد؛ زیرا در ادامه آیه می‌فرماید: «اگر از شما پیروی کردند، راهی برای تعدی بر آن‌ها نجوید» (طباطبایی، ۱۳۷۵: ۴، ۳۴۵)

قرآن به عنوان مهم‌ترین کتاب هدایت و تربیت انسان‌ها از تبشیر و انذار پیامبران، توصیف بهشت و جهنم، پاداش و کیفر اعمال به عنوان جلوه‌هایی از تشویق و تنبیه، برای هدایت

استفاده کرده است. مقصود از مژده دادن به بهشت، تحریک افراد نسبت به اعمال خیر، و مقصود از انداز و ترسانیدن از جهنم و عذاب، بر حذر داشتن از کارهای ناپسند است. قرآن به همین جهت یکی از اهداف رسالت انبیا را نوید دادن و بیم دادن قرار داده است: «مردم (در آغاز) یک دسته بودند (و تضادی در میان آنها وجود نداشت. به تدریج جوامع و طبقات به وجود آمد و اختلافات و تضاد در میان آنها پیدا شد در این حال) خداوند پیامبران را بر انگیخت تا مردم را بشارت و بیم دهند و کتاب آسمانی که به سوی حق دعوت کرد، با آنها نازل نمود تا در میان مردم در آنچه اختلاف داشتند، داوری کنند. تنها کسانی که کتاب را دریافت داشته بودند و نشانه‌هایی روشن به آنها رسیده بود، به خاطر انحراف از حق و ستمگری در آن اختلاف کردند. خداوند آن‌هایی را که ایمان آورده بودند، به حقیقت آنچه مورد اختلاف بود، به فرمان خودش رهبری نمود و خداوند هر کس را بخواهد به راه راست هدایت می‌کند.» (بقره/۱۱۳) همچنین به عنوان نمونه، قرآن برای تشویق به ایمان و عمل صالح می‌فرماید: «ما پیامبران را، جز (به عنوان) بشارت‌دهنده و بیم‌دهنده، نمی‌فرستیم؛ آنها که ایمان بیاورند و (خویش‌تن را) اصلاح کنند، نه ترسی بر آنهاست و نه غمگین می‌شوند.» (انعام/۴۸) یا برای تنبیه سارق و تنبیه مُحارب می‌فرماید: «دست مرد دزد و زن دزد را، به کیفر عملی که انجام داده‌اند، به عنوان یک مجازات الهی، قطع کنید و خداوند توانا و حکیم است.» (مائده/۳۸) و می‌فرماید: «کیفر آن‌ها که با خدا و پیامبرش به جنگ برمی‌خیزند و اقدام به فساد در روی زمین می‌کنند، (و با تهدید اسلحه، به جان و مال و ناموس مردم حمله می‌برند)، فقط این است که اعدام شوند یا به دار آویخته گردند یا (چهار انگشت از) دست (راست) و پای (چپ) آنها، به عکس یکدیگر، بریده شود یا از سرزمین خود تبعید گردند. این رسوایی آن‌ها در دنیاست و در آخرت، مجازات عظیمی دارند.» (مائده/۳۳) در قرآن کریم بیش از «هفتاد» مورد فقط در مورد جزا و مشتقات آن صحبت شده که توجه به این نکته در تبیین مسأله تحقیق، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

۲- اصول تنبیه از دیدگاه قرآن

تنبیه در معنای لغوی به معنای بیدار کردن است. با عنایت به این معنا، دین اسلام دین آگاهی‌بخش و دین بیداری است. برخلاف رویکردهای روان‌شناسی که تربیت را وسیله رسیدن برای بقای جامعه یا تعادل‌یابی یا سازگاری با محیط می‌دانند، هدف تربیت در اسلام شکوفایی استعدادهای پنهان، بیدار نمودن فطرت الهی، رساندن انسان به جایگاه خلافت الهی در زمین (بقره/۳۰)، رسیدن به مقام قرب (قمر/۵۵-۵۴) می‌باشد که در محور

توحید بر اصل کرامت انسانی و بر روش‌های تشویق، تبشیر، ایجاد امید، بخشش، مدارا و انذار استوار است. در این مختصر، به بررسی بعضی از اصول تربیتی قرآن می‌پردازیم.

۲-۱- اصل قول لین در گفتار

روش پیامبر اسلام در تربیت، رحمت است؛ روش استفاده از تشویق و مهربانی در ابلاغ پیام؛ چنان که خداوند به حضرت موسی و هارون در مقام تبلیغ دین توحیدی می‌فرماید: «اما به نرمی با او سخن بگویند شاید متذکر شود یا (از خدا) بترسد.» (طه/۴۴) مراد از «قول لین» این است که در گفتگوی با فرعون از تندی و خشونت خودداری کنند که همین خویشتن‌داری از تندی، ضرورترین آداب دعوت است. (طباطبایی، ۱۳۷۵: ۱۴، ۱۵۵)

بنابراین، مریبان، باید پیش از اقدام پرورشی، اهداف کلی را مشخص کنند و در راستای تحقق آن اهداف، اهداف تربیتی جزئی‌تری را به صورت دقیق و روشن و در گام‌های عملیاتی تدوین نمایند. چنان که در آیات قرآن، تلاوت آیات الهی برای تحقق هدف بالاتر یعنی "تزکیه" مدنظر است و تزکیه هم هدف میانی برای رسیدن به هدف بالاتر مانند "قرب به خدا" است. و نیز تعلیم حکمت، برای رفع جهل است، اما رفع جهل، هدف نهایی نیست، بلکه هدفی برای شناخت خدا است. سیره پیامبران در ابلاغ رسالت و تربیت انسان، روش استفاده از تشویق و نرم‌خویی است. خلق و خوی پیامبری اقتضا می‌کند که در هر حال، مهر و عاطفه بر برخوردهای نوح حاکم باشد. او نه تنها در بیان عقاید، بلکه در پاسخ تهمت‌ها و شبهه‌های بی‌دلیل سرکردگان قومش (اعراف/۶۰ و ۶۶؛ مؤمنون/۲۵؛ هود/۲۷) هرگز محبت و شفقت را فراموش نکرد و با آرامش و بیان استدلالی و منطق سلیم (هود/۲۸ و ۲۹، اعراف/۶۱، ۶۳ و ۶۷) و ادب و افر به ارایه واقعیت‌ها و اثبات کذب مدّعی آنان می‌پرداخت. (عباسی‌مقدم، ۱۳۷۹: ۱۷۴-۱۷۳)

۲-۲- اصل حفظ کرامت انسانی

قرآن به کرامت و برتری انسان بر سایر موجودات تأکید دارد. (اسراء/۷۰) از دیدگاه اغلب مفسران، عمومیت این کرامت، همه انسان‌ها اعم از دینداران، مشرکان، کافران و منافقان را شامل می‌شود. (طباطبایی، ۱۳۷۵: ۱۳، ۱۵۶) بنابراین انسان، از آن جهت که انسان است، مورد تکریم خداوندگارش قرار دارد و این تکریم اختصاص به قشری خاص ندارد. با توجه به شأن بالای انسان، سزاوار است در مسائل تربیتی به جای استفاده از روش‌های تنبیهی، حرمت و کرامت انسانی متربی نگاه داشته شود. تنبیه، تحقیر را در پی دارد و تحقیر و تنبیه با کرامت انسانی سازگاری ندارد. مربی و متربی با سایر مردم از این جهت

که انسان هستند، با هم برابرند و هیچ فضیلتی در بین آنان نیست. تنها امتیازی که نزد خدا امتیاز است، کرامتی است که به وسیله تقوا کسب می‌شود. (حجرات/۱۳) به نظر می‌رسد روش استفاده از تنبیه برای افزایش تقوا روشی نامناسب باشد.

۲-۳- اصل تشویق پیش از تنبیه

تشویق موجب ترویج ارزش‌ها و حرکت به سوی کمال است. با تشویق می‌توان اراده افراد را قوی و پربار نمود. همچنان که تنبیه برای پیشگیری و درمان بسیاری از ناهنجاری‌ها راهگشا است. (نگارش و دیگران، ۱۳۸۳: ۱۴۳) قرآن کریم به پیامبر می‌فرماید: «مؤمنان را به جنگ با دشمن تشویق کن» (انفال/۶۵) و «هنگامی که زکاتشان را می‌پردازند، بر آنان درود فرست و برای ایشان دعا کن.» (توبه/۱۰۳) همچنین در قرآن از زمامدار کاردانی چون ذوالقرنین که یکی از جنبه‌های برجسته سیره‌اش "مدیریت انسانی" است، یاد می‌شود که هرگز نمی‌تواند از تشویق و تنبیه غافل باشد. (کهف/۹۸-۸۴) زیرا این سیاست ضمن حفاظت از اجرای صحیح فرمان‌های الهی، موجب ایجاد انگیزه بیشتر در انسان‌ها نیز می‌شود. (عباسی‌مقدم، ۱۳۷۹: ۳۹۳) بزرگ‌ترین مرتب‌انسانیت، پیامبر اسلام است. ایشان با تشویق و ایجاد انگیزه، زمینه‌های بروز استفاده از روش‌های تنبیهی را از بین می‌برند. راهکار عملی ایشان این است که بدی را به خوبی پاسخ می‌دهد به نحوی که کینه‌ها به مهربانی و دوستی تبدیل می‌شود.

۲-۴- اصل مدارا و گذشت

در تربیت دینی مدارا، عفو و بخشش، به صورت یک اصل ثابت مد نظر قرار دارد. قرآن در مسائل حقوقی و قضایی هرچند گرفتن جزا را حق ستمدیده معرفی می‌کند، لیکن عفو و بخشش را برتر از آن می‌داند که پاداش دنیوی بتواند سزایش باشد، بلکه اجرِ بخشش فقط با خداست. «کیفر بدی، مجازاتی است همانند آن، و هر کس عفو و اصلاح کند، پاداش او با خداست. خداوند ظالمان را دوست ندارد» (شوری/۴۰) عفو نشان‌دهنده نادیده گرفتن حق خویش است که بدون داشتن ظرفیت روحی بالا میسر نمی‌شود. بدین جهت مربی که با نفی انتقام، از تقصیرات افراد می‌گذرد، در گام اول توان اداره نفس خودش را دارد و در گام دوم زنجیره‌ای از روابط انسانی سالم را پایه‌ریزی می‌کند و در گام سوم پاداش عظیمی نزد پروردگارش دارد. مبلغان و مربیان نمونه قرآنی همواره اصل مدارا و نرمش در معاشرت را سرلوحه خویش قرار می‌دادند. پاسخ آرام به تهمت‌ها و شبهه‌ها و تبعیت کامل از مشیت الهی و تحمل سختی‌ها در

این راه از نمونه‌های "حسن معاشرت" ایشان است. خلق و خوی پیامبری اقتضا می‌کند که در هر حال، مهر و عاطفه بر برخورد‌های نوح نبی حاکم باشد. او نه تنها در بیان عقاید، بلکه در پاسخ تهمت‌ها و شبهه‌های بی‌دلیل سرکردگان قومش (اعراف/۶۰ و ۶۶؛ مؤمنون/۲۵؛ هود/۲۷) هرگز محبت و شفقت را فراموش نکرد و با آرامش و بیان استدلالی و منطق سلیم (هود/۲۸ و ۲۹؛ اعراف/۶۱، ۶۳ و ۶۷) و ادب وافر به ارایه واقعیت‌ها و کذب مدّعی آنان می‌پرداخت. (عباسی‌مقدم، ۱۳۷۹: ۱۷۴-۱۷۳) یکی از شیوه‌های تبلیغی حضرت مریم تحمّل سختی‌های راه الهی است. هنگامی که قوم او به او تهمت ناپاکی زدند، او که تسلیم اوامر و قضای الهی بود، به فرزند خویش اشاره کرد تا عیسی اعجاز الهی را آشکار ساخت. (مریم/۳۰-۲۷)

۲-۵. اصل بازسازی و تقویت روحیه‌های شکست‌خورده به جای تنبیه روانی
 ضرورت این اصل از آن جهت است که تبلیغ دین بدون ایجاد زمینه روحی، کاری عبث و بیهوده است و تأثیر چندانی ندارد. (نگارش و دیگران، ۱۳۸۳: ۱۶۰) خداوند در قرآن، مزده غفران و رحمت خویش را به بندگان گنه‌کار خویش می‌دهد و از این طریق به بازسازی و تقویت روحیه آنان می‌پردازد. «بگو: ای بندگان من که بر خود اسراف و ستم کرده‌اید، از رحمت خداوند نومید نشوید که خدا همه گناهان را می‌آمرزد؛ زیرا او بسیار آمرزنده و مهربان است.» (زمر/۵۳) اسلام گستره زمانی تربیت‌پذیری انسان را سراسر حیات او معرفی می‌کند؛ به گونه‌ای که اگر در هر مقطعی به هر دلیلی فرد نتوانست بهره‌وری نماید، نباید مربی تصور کند که فرصت پرورش متربی از دست رفته است و وی را نباید ناامید کند؛ زیرا ناامیدی در فرهنگ تربیت دینی جایی ندارد. مربی نباید افراد به ظاهر غیرموفق را ناامید کند. مربیانی که بیش از اندازه در تربیت افراد، مشکلات را بزرگ‌نمایی می‌کنند، آنها را حساس و ناامید می‌کنند و عدم اعتماد به نفس را در آنها پرورش می‌دهند. خداوند، بندگان گنه‌کار را با واژه "عبادی" اکرام می‌کند که نشان‌دهنده محبت خداوند نسبت به بندگان مُسرف است. بنابراین در وضعیت عادی تربیتی، باید با مثبت‌نگری از تنبیه پرهیز شود.

۳- شرایط تنبیه

اگر شرایط و اصول تنبیه رعایت شود تا حدودی می‌توان گفت تنبیه مؤثر واقع خواهد شد. در ادامه به برخی از مهم‌ترین شرایط و اصول تنبیه می‌پردازیم:

۳-۱. اطمینان از اثربخشی تنبیه

پیش از اقدام به هر تنبیه‌ی باید از اثربخشی آن اطمینان حاصل کرد. اثربخشی تنبیه نیز

مستلزم این است که اولاً مرتبی واقعاً مستحق تنبیه باشد و ثانیاً نوع تنبیه انتخاب شده با جرم تناسب داشته باشد. لذا در مواردی که معلوم شده باشد که فرد مستحق تنبیه نیست، یا مجازات انتخاب شده با جرم او تناسبی ندارد، نباید به تنبیه اقدام کرد.

۳-۲- به اندازه بودن تنبیه

تنبیه نباید بیش از مقدار جرم و گناه باشد، بلکه باید ملاحظه شود که مقدار جرم و خطا در چه حدی است و تنبیهی متناسب و به اندازه آن برای مجازات در نظر گرفته شود. حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) در روایت اسد بن وداعه پس از آنکه سه مرتبه از تنبیه نهی کرد، فرمود: «اگر تنبیه کردی به اندازه گناه تنبیه کن.» (نوری، ۳۶۶: ۱۸، ۱۰۶)

۳-۳- رعایت تناسب تنبیه با شرایط مرتبی

اصل دیگر رعایت سن است. مثلاً کودک خردسال برابر تنبیه احساس بی‌پناهی می‌کند و این موجب وارد آمدن صدمه روانی بر کودک است. لذا در تنبیه باید قوت بدنی، سن و شخصیت افراد را در نظر داشت. در روایت حماد بن عثمان امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: «هر مقدار که حاکم مصلحت بداند، برحسب مقدار گناه یا قدرت بدنی شخص تعزیر کند.» (نوری، ۱۳۶۶: ۱۸، ۵۸۴)

۳-۴- رعایت عدالت

یکی از شرایط مهم تنبیه، رعایت عدالت در تنبیه کردن است. هیچ‌گاه نباید به خاطر انتقام‌جویی تنبیه کرد. بلکه همواره باید صلاح مدنظر باشد، نه فرونشاندن غضب یا انتقام‌گیری از وی؛ زیرا چه بسا آثار زیانبار و ناگواری را به دنبال خواهد داشت.

۳-۵- رعایت تنوع تنبیه

شرط رعایت تنوع نیز لازم است؛ چه بسا یک شیوه کارساز نباشد. باید بدانیم کدام نوع از تنبیه را به کار ببریم و اصرار نداشته باشیم همیشه از یک شیوه استفاده کنیم.

۳-۶- اکتفا به حداقل تنبیه

در تنبیه باید به حداقل تنبیه قناعت شود، چرا که شاید با اجرای مرحله‌ای ضعیف از تنبیه، مثل یک تغییر چهره، شخص به اشتباه خود پی ببرد و اصلاح شود که در این صورت دیگر نیازی به تنبیه‌های شدیدتر نخواهد بود و هدف که همان تغییر رفتار است، محقق خواهد شد. گذشته از این باید تشویق و تنبیه به موقع و به هنگام صورت

گیرد تا اثربخشی مطلوب داشته باشد.

۷-۳- تعلق تنبیه به رفتار، نه به شخصیت فرد

تنبیه باید به کار بد فرد تعلق گیرد، نه به شخصیت فرد؛ در غیر این صورت، فرد بر اثر تنبیه در معرض احساس حقارت قرار می‌گیرد.

نتیجه‌گیری

بر اساس آنچه گفته آمد، بر موارد زیر به عنوان خلاصه و نتیجه بحث تأکید می‌شود:

۱- در دین اسلام استفاده از روش‌های غیرتنبیهی نسبت به تنبیه اولویت دارد؛ زیرا قرآن به کرامت ذاتی انسان معتقد است و از راه تشویق به کار نیک به تربیت افراد سالم می‌کوشد و از این طریق زمینه‌های رفتارهای نامطلوب را از بین می‌برد. با این وجود برای افراد عصیانگر جامعه تنبیهات مشخصی را هم در نظر می‌گیرد.

۲- آیات و روایات معصومان (علیهم السلام) اصل جواز تنبیه را به عنوان یکی از روش‌های تأدیبی پذیرفته‌اند؛ اگرچه در مقدار آن اختلاف وجود دارد. قرآن کریم با توجه به رعایت مراتب گوناگون پاداش و کیفر از عوامل مختلفی مانند عوامل مادی و غیرمادی، عاطفی و غیرعاطفی برای تشویق و تنبیه استفاده کرده است، ولی با این وجود تنبیه، آخرین مرحله است.

۳- تشویق و تنبیه دو روش مهم تربیتی است که مورد تأیید عقل و قرآن است. در امر تربیت، تشویق و تنبیه یا پاداش و کیفر به عنوان یکی از عوامل و محرک‌های مهم تلقی می‌شود.

۴- از مجموع مباحث می‌توان نتیجه گرفت که روش تنبیه و تأدیب روش تربیتی اولی نیست تا در تمام موقعیت‌ها بتوان از آن استفاده کرد و نتیجه مطلوب از آن گرفت، بلکه یک روش تربیتی ثانوی است که از لحاظ مرتبه و ارزش، متأخر از همه روش‌های ممکن در اصلاح رفتار است.

۵- در تربیت اسلامی، قبل و بعد از تنبیه باید رحمت و بخشش مد نظر قرار داده شود. در تنبیه نباید سد حیا را شکست و پرده عفت را درید. اگر در تنبیه، اخلاق اسلامی فراموش شود، نتیجه معکوس خواهد داشت.

- ۱- قرآن کریم، ترجمه: ناصر مکارم شیرازی.
- ۲- ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۳۷۲: لسان العرب، بیروت: دار صادر، چاپ سوم.
- ۳- اعرافی، علیرضا، ۱۳۸۷: فقه تربیتی، تحقیق و تحریر: نقی موسوی و علی حسین پناه، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- ۴- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، ۱۳۷۷: غرر الحکم و درر الکلم، ترجمه: هاشم رسولی محلاتی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ دوم.
- ۵- حسینی، داود، ۱۳۹۱: «مبانی نظری تنبیه از دیدگاه علم روان‌شناسی و اسلام»، فصلنامه معرفت، شماره ۱۷۴، سال ۲۱، ص ۱۷۷-۹۹.
- ۶- حسینی‌زاده، علی، ۱۳۷۷: «تنبیه از دیدگاه اسلامی»، فصلنامه روش‌شناسی علوم انسانی، شماره ۱۴ و ۱۵، ص ۳۳-۲۳.
- ۷- سیف، علی‌اکبر، ۱۳۷۴: تغییر رفتار و رفتار درمانی، تهران: دانا، چاپ اول.
- ۸- _____، ۱۳۸۵: روان‌شناسی پرورشی، تهران: آگاه، چاپ پنجم.
- ۹- صانعی، مهدی، ۱۳۸۰: پژوهشی در تعلیم و تربیت اسلامی، مشهد: سناباد، چاپ سوم.
- ۱۰- طباطبایی، محمدحسین، ۱۳۷۵: المیزان، قم: جامعه مدرسین، چاپ پنجم.
- ۱۱- عباسی‌مقدم، مصطفی، ۱۳۷۹: اسوه‌های قرآنی و شیوه‌های تبلیغی آنان، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول.
- ۱۲- کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۶۵: الکافی، تحقیق: علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- ۱۳- نگارش، حمید و دیگران، ۱۳۸۳: تبلیغ دین از منظر دین، قم: زمزم هدایت.
- ۱۴- نوری، حسین بن محمدتقی، ۱۳۶۶: مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم: آل‌البیت، چاپ اول.